



مدل برنامه‌ریزی راهبردی حضرت ابراهیم (ع) در قرآن*

صفیرماد حسین اف

چکیده

حضرت ابراهیم (ع) برای هدایت قوم خود با ارزیابی محیط با سه محور: شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راهبردهای نیل به وضع مطلوب، برنامه‌ریزی راهبردی خود را تشکیل داده است. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش میان‌رشته‌ای، مدل برنامه‌ریزی راهبردی حضرت ابراهیم (ع) را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حضرت ابراهیم (ع) با شناخت وضع موجود قوم خویش، وضع مطلوب را ترسیم و راهبردهای نیل به آن را ترسیم نموده است. بدین جهت آن حضرت برای نیل به وضع مطلوب، اقدام به طرح و ارائه‌ی راهبردهای گوناگونی همچون: بیان شجاعانه عقاید و رسالت توحیدی، استقامت در راه هدف، سرزنش انتخاب خطای قوم، بیان ارزش‌های خود در راه هدف، بیان نقاط قوت سازمانی خود، شناسایی و اعلام نقاط ضعف، براثت لفظی و عملی از شرک، رعایت تفاوت‌های فردی و گروهی، اخلاق، محبت و احترام به مخاطب، طرح پرسش و پاسخ برای رسیدن به اهداف، هجرت در راه هدف، بهره‌وری سازمان از راه دعا، امنیت خواهی شهر، تأمین روزی اعضای سازمان، آموزش ضمن خدمت، سازمان یادگیرنده، رهبر برای آینده، سهم دانستن اعضای سازمان در دریافت مزایا، ادامه حیات در یک سازمان و تمدن‌سازی کرده است. برنامه‌ریزی راهبردی حضرت ابراهیم (ع) امتیازات انسانی، سازمانی و محیطی دارد که نسبت به برنامه‌ریزی راهبردی دانش‌مدیریتی از برجستگی‌های ویژه‌ای همچون: برتری علمی در هدایت قوم، عدم تخطی از خط خداوند، توجه به تمام نیازهای کارگزاران، معرفی موفقین و هدایت‌یافتگان، یادآوری موهبت‌های مادی و معنوی سازمان و لزوم قدردانی از آن‌ها، برخورداری از برهان در مناظرات، پیش‌قدمی نسبت به سایر اعضای سازمان در اجرای عملیات و دادن اطلاعات صحیح به مخاطب برخوردار می‌باشد.

واژگان کلیدی: حضرت ابراهیم (ع)، برنامه‌ریزی، مدل برنامه‌ریزی راهبردی، وضع موجود، وضع

مطلوب.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۸/۲۳

* دکترای قرآن و علوم گرایش مدیریت، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث:

safarhuseyn1980@gmail.com



مقدمه

برنامه‌ریزی راهبردی که برای حل مسائل حیاتی سازمان بوده و با نگاه خارج از سازمان طراحی می‌شود، تصمیم‌گیری برای رسیدن به اهداف سازمانی است که مستمر تحلیل از محیط داخل و خارج سازمان داشته همراه با رقابت بین سازمان‌های همگون است.

این مقاله با طرح پرسش «مدل برنامه‌ریزی راهبردی حضرت ابراهیم (ع) چیست» پاسخ به سؤال‌های زیر را دنبال می‌کند: شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راهبردهای نیل به وضع مطلوب توسط حضرت ابراهیم چیست؟ امتیازات و برجستگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی حضرت ابراهیم (ع) چیست؟

حضرت ابراهیم (ع) قهرمان توحید و چارچوب معرفتی ایشان نیز بر همین اساس شکل گرفته است. چستی برنامه‌ریزی راهبردی متأثر از اعتقاد به توحید ربوبی آن حضرت سؤال اصلی مقاله است.

برنامه‌ریزی راهبردی آن حضرت شامل سه موضوع شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راهبرد نیل به وضع مطلوب می‌باشد. در پایان ضمن ارائه مدل برنامه‌ریزی راهبردی برخاسته از اعتقاد به توحید ربوبی آن حضرت، امتیازات و برجستگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی ایشان نسبت به برنامه‌ریزی راهبردی متعارف بیان می‌گردد.

۱- مبادی نظری تحقیق

پیشینه و روش تحقیق، مفهوم شناسی و اشاره‌ای به حضرت ابراهیم (ع) در مبادی نظری تحقیق بررسی می‌شود.

۱-۱- پیشینه و روش تحقیق

به‌جز رساله دوره دکتری که توسط نویسنده نگارش یافته است، در موضوع تحقیق، پژوهش مستقلی که بر یافته‌های دو حوزه علوم اسلامی و انسانی مبتنی بوده، با رویکرد و ابعاد



مورد نظر در این مقاله به موضوع پرداخته باشد، صورت نگرفته است. با این حال بخش‌هایی از محتوای پژوهش در منابع گوناگون، به شکلی غیرمستقیم در دو گونه منابع دست‌اول و دوم به موضوع پرداخته و به برخی ابعاد آن توجه داشته‌اند.

روش این پژوهش، توصیفی، تفسیر موضوعی برون قرآنی و میان‌رشته‌ای است. میان‌رشته‌ای است؛ چون پژوهش، از نوع تفسیر موضوعی برون قرآنی با نگاهی به دستاوردهای علوم مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی می‌باشد و چارچوب اعتقاد به توحید ربوبی حضرت ابراهیم (ع) در برنامه‌ریزی راهبردی را با توجه به آیات قرآن کریم و دستاوردهای انسان‌ها در برنامه‌ریزی راهبردی مورد بررسی قرار می‌دهد. توصیفی است؛ چراکه پژوهش، پس از مراجعه به آیات قرآن کریم و دستاوردهای برنامه‌ریزی راهبردی، گزاره‌های مرتبط با مباحث برنامه‌ریزی راهبردی را از قرآن کریم و علوم بشری استخراج و تبیین می‌نماید.

۲-۱- مفهوم‌شناسی

سه مفهوم برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی راهبردی و حضرت ابراهیم (ع) از مفاهیم کلیدی مقاله است.

۱-۲-۱- برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی که از وظایف مهم مدیران در سازمان است، انواع، سطوح، فرایند و تعاریف گوناگونی دارد.

برنامه‌ریزی میان‌جایی که هستیم و جایی که می‌خواهیم بدان جا برویم، پلی می‌سازد و موجب می‌شود تا آنچه را که در غیر آن حالت شکل نمی‌گیرد، پدید آید. برنامه‌ریزی فراگرد است تا آگاهانه راه‌های کنش را تعیین کنیم و تصمیم‌های خود را بر پایه هدف، شناخت و برآوردهای سنجیده استوار سازیم (Wehrich & Koontz. ۲۰۰۶. p: ۹۸).



برنامه‌ریزی فراگرد تعیین و تعریف هدف‌های سازمان و تدارک پیشاپیش و دقیق اقدامات و وسایلی که تحقق هدف‌ها را میسر می‌سازد، است (علاقه‌بند، ۱۳۸۱: ۳۷).

برنامه‌ریزی فرایند هدف‌دار بوده و تلاشی است برای پاسخگویی به پرسش‌های چه کاری (What)، به وسیله چه کسی (Who)، چگونه (How) و در چه هنگامی (When) (توکلی، ۱۳۸۳: ۷۰).

در وظیفه برنامه‌ریزی اصول و گزینه‌های مشخصی مانند تعیین اهداف، پیش‌بینی راه‌حل‌های دستیابی به آنها، در نظر داشتن دوره زمانی مشخص و تصمیم‌گیری مدنظر است.

۲-۲-۱- برنامه‌ریزی راهبردی

برنامه‌ریزی راهبردی تعاریف زیادی دارد که به یک تعریف و چند ویژگی آن اشاره می‌کنیم.

برنامه‌ای که برای کل سازمان طراحی می‌شود، اهداف کلی سازمان را ترسیم می‌کند و به دنبال تعیین وضعیت سازمان در محیط هست، برنامه‌ریزی استراتژیک نامیده می‌شود (Stephen & Coulter, 2013: 120).

از جمله ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی، چنین‌اند:

- ۱) جهان‌بینی‌ها، اعتقادات و سنت‌های جامعه در برنامه‌ریزی راهبردی منعکس می‌شوند.
- ۲) برنامه‌ریزی راهبردی معطوف به پرسش‌های اصلی و مسائل اساسی از سازمان‌ها است.
- ۳) این برنامه‌ریزی در سطوح عالی سازمان شکل می‌گیرد.
- ۴) برنامه‌ریزی راهبردی امکانات و محدودیت‌های درونی و بیرونی سازمان را مدنظر دارد و پیش‌بینی‌های خود را با توجه به آن‌ها انجام می‌دهد (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۴).
- ۵) ایجاد پیوستگی و انسجام در عملیات و اقدام‌های سازمان در دوره‌های زمانی طولانی را عهده‌دار است.



۶) فراگیر بوده و برنامه‌ریزی عملیاتی سازمان را پوشش داده و به آنان جهت‌بخش است (منوریان، ۱۳۹۴: ۸۱).

۷) برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه معنی‌دار و پیوسته به یکدیگر را تنظیم می‌کند تا معیارهای اندازه‌گیری و تحقق تصویر ایده‌آل آینده را تجسم بخشد (هینز، ۱۳۸۷: ۳۷).

۸) استمرار و پایداری و توجه به تغییر و تحولات حال و آینده داشته و پویا است.

۹) توجه به اصل سرعت، دقت در انجام امور، اهمیت نوآوری و تغییر در سازمان می‌کند (فرهمند، ۱۳۸۴: ۳۴۵-۳۴۶).

برنامه‌ریزی راهبردی سه گام تدوین، اجرا و ارزیابی دارد. شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و روش رسیدن به وضع مطلوب تعریف منتخب این مقاله است.

۳-۲-۱- حضرت ابراهیم (ع)

ابراهیم (ع) نامی است سریانی به نام «أَبُ رَحِيم» بوده یعنی پدر مهربان، سپس «حاء» آن به «هاء» تبدیل گردیده و بعضی گویند معنی ابراهیم از «بَرِيٍّ مِنَ الْأَصْنَامِ» و «هَامَ إِلَى رَبِّهِ» می‌باشد، یعنی از بت‌ها دوری می‌جسته و به خداوند خویش گرویده است (محقق، ۱۳۶۴: ۸/۱) نام حضرت ابراهیم (ع) در ۶۳ آیه از ۲۵ سوره ۶۹ بار در قرآن کریم ذکر شده است (اعلام قرآن از دایره المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۵: ۱/۱۶۶). ابراهیم (ع) از سوی خدا امتحانات فراوان داده و در همه آنها موفق بیرون آمده است (بقره/۱۲۴). ایشان از طرف خدا نعمت‌های فراوان دریافت کرده است از جمله آنها نعمت فرزند دار شدن در سن پیری است (ابراهیم/۳۹). قرآن کریم از دعاهای گوناگون حضرت ابراهیم در باره خودش (شعراء/۸۴-۸۵) و دیگران (بقره/۱۲۷، ۱۲۴ و ۱۲۹. شعراء/۸۷، ابراهیم/۳۷ و ۳۵) سخن گفته است که جای عبرت‌گیری است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۸۹-۲۰۲).



حضرت ابراهیم (ع) با اوصاف حمیده فراوانی از جمله: حنیف، مسلم، منیب، أوّاه، شاکر، قانت و صدیق در قرآن کریم یاد شده است (شبستری، ۱۳۷۹: ۲۵).

۲- تجزیه و تحلیل و یافته‌های تحقیق

مدل برنامه‌ریزی راهبردی حضرت ابراهیم (ع) مورد بررسی این قسمت از پژوهش است. تأثیر اعتقاد آن حضرت در برنامه‌ریزی راهبردی با بررسی سه محور وضع موجود، وضع مطلوب و راهبرد نیل به وضع مطلوب و در پایان ضمن ارائه مدل برنامه‌ریزی راهبردی، امتیازات و برجستگی‌های این برنامه‌ریزی نسبت به برنامه‌ریزی راهبردی متعارف ارائه می‌شود.

۲-۱- وضع موجود

قوم حضرت ابراهیم (ع) از جنبه‌های گوناگون خصوصیات منفی داشتند. در این زمینه با توجه به گزارش قرآن کریم به چند نمونه از خصلت‌های آنها اشاره می‌کنیم. این قوم در ویژگی فرهنگی-اعتقادی با اقوام دیگر پیامبران اشتراک داشتند که در بدترین فرهنگ و اعتقادات زندگی می‌کردند. خصوصیت منفی زندگی اجتماعی آنها قابل دقت است که در رفتارهای خود بروز می‌دادند که سرمنشأ آن به تفکرات و اعتقاداتشان برمی‌گردد.

قوم حضرت ابراهیم (ع) در بابل، معتقد به خدایی خورشید، ماه و ستارگان در آسمان و بت‌ها به نمایندگی از آنها در زمین بودند. آنها برای تقرّب به خدایان، برای هر ستاره بتی می‌ساختند و در بتکده‌ها مورد پرستش قرار می‌دادند و برای آن قربانی می‌کردند. آنها برای خورشید، ماه و ستارگان جنبه هدایت و تربیت در مسافرت‌ها، رشد و پرورش نباتات، حیوانات و انسان معتقد بوده حتی در تربیت و هدایت تشریحی نیز به آنان اعتقاد داشته و سرمشق می‌گرفتند. در آیات سوره انعام ابراهیم (ع) به ظاهر به این جنبه‌های تربیتی و هدایتی اجرام آسمانی اعتراف می‌کند و می‌گوید: «هذا ربّی» اما عملاً به آنان نشان می‌دهد که این هدایت‌ها و تربیت‌ها موسمی، موقت، ناقص و غیرثابت بوده و انسان را از تربیت و هدایت کامل و دائمی



خداوند بی‌نیاز نمی‌گرداند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰: ۶۵). البته در اینجا به زبان ستاره‌پرستان قوم خود با ایشان سخن می‌گوید و «رب» را به همان معنایی که می‌فهمند به کار می‌برد و سخن او که می‌گوید: «این رب من است!» از راه توریه و استفهام است، یعنی آیا این پروردگار من است؟ همان‌گونه که وقتی بت‌ها را شکست توریه کرد و در پاسخ بت‌پرستان گفت: بلکه بزرگشان این کار را کرده است! (عسکری، ۱۳۸۶: ۱/۳۱۲).

از ویژگی‌های قوم ابراهیم، دستیابی آنان به علم نجوم است. یکی از وجوهی که در تفسیر آیه «فَنَنْظُرُ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ» (صافات/۸۸) ذکر شده، آن بوده که از نگاه کردن به نجوم، به حوادث آینده‌ای که منجم‌ها آن حوادث را از اوضاع ستارگان به دست می‌آورند، معین کند؛ و صابئی‌مذهبان به این مسئله بسیار معتقد بودند و در عهد ابراهیم (ع) عده‌ی بسیاری از معاصرین او از همین صابئی‌ها بوده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷/۱۴۸).

آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که شرک و بت‌پرستی در میان قوم ابراهیم تنوع بیشتری داشته است. آن‌ها همان‌گونه که گفته شد، در اصل اجرام آسمانی را می‌پرستیدند که آیات ۷۴-۷۷ سوره انعام بیانگر آن است؛ ولی برای هر کدام از اجرام به نمایندگی بت‌هایی را در زمین پرستش می‌کردند که در موارد گوناگون حضرت ابراهیم به مقابله با آن‌ها برآمده است. پرستش بت‌ها در میان قوم ابراهیم به گونه‌ای رواج داشته که مردم، حتی تصور مخالفت با آن را نداشتند؛ از همین رو پس از آن که ابراهیم با آنان به مقابله برخاست، ابتدا سخن او را شوخی ساده‌ای تلقی کردند (انبیاء/۵۵).

دلیل بت‌پرستی قوم ابراهیم از آیات قرآن را می‌توان وجود سه عامل ذکر کرد: یکی پیوندهای متقابل اجتماعی میان افراد مجتمع در مقام قوم یا ملت واحد، برای حفظ غرور ملی و قومی در برابر اقوام دیگر (عنکبوت/۲۵). چون مردم برای بت‌پرستی خود هیچ دلیلی نداشتند،



دیگر بهانه‌ای برایشان نماند، جز اینکه نسبت به کسانی که مورد احترامشان بود استناد بجویند، پس یگانه چیزی که سنت‌های قومی را سر پا نگه می‌دارد و باعث می‌شود که متروک نگردد همین ملاحظات است. پس پیروی از سنت بت‌پرستی در حقیقت یکی از آثار علاقه‌های اجتماعی است. این آیه خطابی است از ابراهیم (ع) به عامه قومش که: بت‌پرستی شما هیچ دلیلی ندارد، مگر علاقه قومیت، شما می‌خواهید به این وسیله امر زندگی خود را اصلاح کنید (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۱۲۰).

عامل دیگر، ترس از خدایان خیالی است؛ زیرا ابراهیم (ع) را به انتقام خدایان تهدید کردند که روشن می‌شود خود، به علت ترس از خدایان، آن‌ها را عبادت می‌کردند. «وَ كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انعام/۸۱). آیه شریفه برهانی است بر تناقض‌گویی مشرکین در دعوت ابراهیم به شرک و ترس از شرک، زیرا او را امر می‌کنند به ترسیدن از چیزی که ترس از آن لازم نیست و خود از آنچه لازم است بترسند، نمی‌ترسند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷/۱۹۸).

سومین عامل بت‌پرستی، امید رسیدن خیر از سوی خدایان به آن‌ها بوده است. «...إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (عنکبوت/۱۷). حضرت ابراهیم به آن‌ها می‌گوید: این‌هایی که شما به جای خدا می‌پرستید، که مجسمه مقربین درگاه خدا از ملائکه و جن هستند، از این‌رو معبود شما شده و شما آن‌ها را می‌پرستید که از شما راضی شوند و در نتیجه روزی به شما بدهند و روزیتان را فراوان سازند و لیکن باید بدانید که این‌ها مالک رزقی برای شما نیستند و آن‌کس که مالک رزق شما است خدا است، که سبب امتداد بقای شماست، چون اوست که شمارا آفریده و نیز رزقتان را خلق کرده و آن رزق را سبب امتداد بقای شما قرار داده، چون ملکیت تابع خلقت و ایجاد است. حال که رزق شما نزد خدا است و غرض شما هم از عبادت رزق است، پس رزق



را از خدا بخواهید، چون اوست که مالک رزق شماست، پس غیر او را نپرستید، بلکه تنها خدا را پرستید و او را شکر گزارید که به شما رزق داده و به انواع نعمت‌ها بهره‌مند ساخته است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۱۱۵).

با اینکه قوم ابراهیم پیش‌قراولان تمدن مادی در عصر خویش در بابل بوده‌اند؛ با این حال انحطاط در ابعاد معرفتی و انسانی، از خصیصه‌های عمومی آن‌ها است تا آنجا که در ماجرای احتجاج ابراهیم با نمروود، حتی ابراهیم (ع) این درجه از انحطاط فکری و آشفتگی تعقل را که گرفتار نیرنگ نمروود شدند، از آنان باور نداشت. ابراهیم احتجاج خویش را بر محور زنده کردن و میراندن خداوند انسان‌ها را قرارداد (بقره/۲۵۸)؛ با این حال، نمروود به‌سادگی توانست آنان را به دام مغالطه خویش گرفتار آورد و ابراهیم به‌ناچار حجتی آشکارتر برگزیند. انحطاط فکری آنان تا بدان جا بود که با او مناظره نموده و آن حضرت را از گرفتار شدن در عذاب بت‌های ساخته‌شده از سنگ و چوب می‌ترساندند (انعام/۸۰-۸۱).

این انحطاط فکری و تعصب قومی در پدیده‌های اعتقادی و فرهنگی آن‌ها بوده و تا مرحله‌ای ادامه داشت که حتی حاضر بودند برای دفاع از بت‌ها ابراهیم را با قصد کشتن از بین ببرند. آن‌ها این رفتار خود را به صورت عمومی با انداختن ابراهیم در آتش (انبیاء/۶۸) عملاً انجام دادند. این تعصب تا بدان جا بوده که «آزر» کسی که زمام امور ابراهیم را در دست داشته و یا بزرگ و فرمانروای او بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷/۱۶۵)، برای دفاع از بت‌هایش حاضر می‌شود ابراهیم را سنگسار نموده و یا می‌خواهد او را از خود برای مدت طولانی دور کند (مریم/۴۶).

خصلت دیگر آن‌ها پیروی کورکورانه از اجدادشان بوده که در مقابل پاسخ به سؤال حضرت ابراهیم، فرافکنی کرده و اعمال عبادیشان را به پدرانشان نسبت می‌دادند (انبیاء/۵۳)



در صورتی که تنها در سنت و روش نیاکان بودن هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و هیچ دلیلی نیست که نیاکان عاقل‌تر و عالم‌تر از نسل‌های بعد باشند، بلکه غالباً قضیه به عکس است چون با گذشت زمان علم و دانش‌ها گسترده‌تر می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۳/۴۳۰). همچنین این عمل را کار دائمی پدرانشان می‌دانستند «قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (شعراء/۷۴). تعبیر به «كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» تأکید بیشتری بر تقلید آن‌ها است، یعنی هر چه آن‌ها می‌کردند ما می‌کنیم، عبادت بت باشد یا چیز دیگر (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۵۵/۱۵).

خصوصیت منفی دیگر آن قوم، در گمراهی آشکار به سر بردن آن‌ها بود که قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم آن‌ها و پدرانشان را گمراه می‌خواند (انبیاء/۵۴). آن‌ها در زیان واضح و آشکار بودند که بر کسی پوشیده نبود و هیچ عاقلی در مورد زیان آن‌ها شک و شبهه نداشت؛ زیرا آن قوم بت‌هایی را می‌پرستیدند که نه دفع ضرری داشتند و نه نفعی به انسان می‌رساندند و نه چیزی می‌شنیدند و نه می‌دیدند؛ بنابراین از این گونه گمراهی، گمراه‌تری نیست (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ ه. ق: ۴/۴۱۳).

یکی دیگر از ویژگی‌های منفی آن‌ها و به خصوص آزر عبادت و پیروی و تبعیت از شیطان بوده است. «يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا» (مریم/۴۴) منظور از عبادت در اینجا عبادت به معنی سجده کردن و نماز و روزه برای شیطان بجا آوردن نیست، بلکه به معنی اطاعت و پیروی فرمان است که این خود یک نوع از عبادت محسوب می‌شود. معنی عبادت و پرستش آن قدر وسیع است که حتی گوش دادن به سخن کسی به قصد عمل کردن به آن را نیز شامل می‌گردد و نیز قانون کسی را به رسمیت شناختن یک نوع عبادت و پرستش او محسوب می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۳/۷۸). نهی از عبادت شیطان، نهی از اطاعت او در هر چیزی است که به آن امر می‌کند و یکی از چیزهایی که بدان امر



می‌کند عبادت غیر خدا است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۸/۱۴). حالت دیگر فکری-اعتقادی آن‌ها تکذیب پیامبران و به خصوص حضرت ابراهیم بوده است که مانند اقوام قبل از خود پیامبران را تکذیب می‌کرده‌اند «وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ» (عنکبوت/۱۸).

حضرت ابراهیم (ع) در چارچوب معرفتی خود که توحید خداوند به خصوص توحید ربوبی بود و با توجه به رسالت و هدفش که هدایت مردم به سمت خدا و عبادت خالق یکتا بود، در قوم‌شناسی خود قومش را از نگاه فرهنگی-اعتقادی و رفتارهای اجتماعی مورد بررسی قرارداد. او در این زمینه با گروه‌های مختلف آن‌ها به بحث پرداخته ادله آن‌ها را در مورد خدایانشان با روش‌های گوناگون ابطال نمود. ولی از آنجا که آن‌ها از نظر فرهنگی-اعتقادی و روابط اجتماعی در پست‌ترین حالت به سر می‌بردند، نه تنها به سخنان هدایت بخش آن حضرت پاسخ مثبت نمی‌دادند؛ بلکه آن حضرت را تهدید به مرگ و دور گشتن او از آن‌ها نموده و با او احتجاج می‌نمودند.

در جدول زیر مجموعه خصوصیات و وضعیت موجود قوم ابراهیم (ع) از نظر فرهنگی-اعتقادی و اجتماعی-رفتاری آورده می‌شود.



وضع موجود قوم ابراهیم (ع)		
ردیف	فرهنگی-اعتقادی	اجتماعی-رفتاری
۱	پرستش خورشید، ماه و ستارگان (انعام/۷۶-۷۸)	قصد کشتن ابراهیم برای دفاع از بت‌ها (انبیاء/۶۸)
۲	شرک و بت‌پرستی (عنکبوت/۱۷)	تهدید به سنگسار و تبعید ابراهیم (مریم/۴۶)
۳	تعصب قومی (مریم/۴۶، انبیاء/۶۸، عنکبوت/۲۴)	در گمراهی آشکار به سر بردن آن‌ها و پدرانیشان (انبیاء/۵۴، انعام/۷۴)
۴	انحطاط فکری (بقره/۲۵۸. انعام/۸۰-۸۱)	ترس از خدایان خیالی (انعام/۸۱)
۵	تکذیب پیامبران (عنکبوت/۱۸)	امید رسیدن خیر از سوی خدایان به آن‌ها (عنکبوت/۱۷)
۶	ترس دادن ابراهیم از بت‌ها (انعام/۸۰-۸۱)	
۷	پیروی کورکورانه از اجدادشان (انبیاء/۵۳)	
۸	ظلم و ستم نسبت به خود (انبیاء/۶۴)	
۹	عبادت و اطاعت شیطان (مریم/۴۴)	

جدول: ۱- شناخت وضع موجود قوم ابراهیم (ع)

۲-۲- ترسیم وضع مطلوب

حضرت ابراهیم (ع) با توجه به شناخت دقیق وضع نامناسب موجود قوم خویش در دو زمینه فرهنگی-اعتقادی و رفتاری-اجتماعی، از روی وظیفه پیامبری قوم خود را ارشاد و هدایت می‌کرد. آن حضرت با اعتقاد به ربوبیت خداوند، تدبیر و پرورش در همه هستی را فقط برای خداوند می‌دانست، بر همین اساس آن حضرت چنین وضع مطلوب را برای قومش ترسیم می‌کرد.

ایشان در ابتدای امر و پس از اثبات بطلان بت‌پرستی، آگاهی و علم خود را به آزر اعلام می‌کند و می‌فهماند که وضع مطلوب تبعیت از علم من است (مریم/۴۳). من علمی به این مسئله دارم که تو نداری و تو باید مرا پیروی کنی تا به راه هموار مستقیم هدایت کنم



(طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۸/۱۴). با این بیان کارهای خود را از روی علم و ناآگاهی آزر اعلام نموده و وضع مطلوب را راه هموار مستقیم که علم یقین به آن دارد ترسیم می‌کند.

آن حضرت با معرفی افراد موفق و هدایت یافتگان، وضع مطلوب را رسیدن انسان به آن موقعیت می‌داند که در آن حالت انسان امنیت و هدایت دارد (انعام/۸۲). ایشان امنیت داشتن و رسیدن به هدایت را دو رکن اصلی و ویژگی انسان در سازمان موفق یاد می‌کند که از ایمان به دست می‌آید.

آن حضرت برای مباحث اعتقادی قوم، وضع مطلوب را در عبادت خداوند و تقوای از او دانسته می‌فرماید: «وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (عنکبوت/۱۶). می‌گوید: اگر شما درست بیندیشید پیروی از توحید و تقوا برای شما بهتر است که دنیایان را از آلودگی‌های شرک و گناه و بدبختی نجات می‌دهد و آخرت شما نیز سعادت جاویدان خواهد بود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۳۲/۱۶). ایشان در همین زمینه تا آخر عمر تسلیم خدا بودن را توصیه می‌کردند (بقره/۱۳۲). آن حضرت در رابطه با اعتقادات درست، ضمن رعایت استدلال منطقی به قومش تفهیم می‌کند که وضعیت مطلوب دوری جستن از خدایان فناپذیر و گمراه‌کنندگان است (انعام/۷۶-۷۸).

سعادت را در دوری از شرک و روآوری به خدای آفریننده هستی می‌داند (انعام/۷۸-۷۹). در گفتگوهای حضرت ابراهیم دیده می‌شود که آن حضرت از دلالت التزامی بیشتر استفاده می‌برده است. سؤالات ایشان هم که از قومش می‌کند و پاسخ را از دل آن‌ها بیرون می‌آورد بر همین اساس بوده است؛ بنابراین آن حضرت وضع مطلوب در اعتقادات را پرستش خدایی که تمامی صفات جمال و کمال را دارد دانسته و از عبادت هرگونه خدایی که فاقد صفات کمال و جمال است دوری می‌کند. نمونه برداشت این‌گونه دلالت‌های التزامی در



گفته‌های ایشان از قبیل: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا» (مریم/۴۲. انبیاء/۶۳ و ۶۶. شعراء/۷۲-۷۳). مفهوم حرف ایشان این است که باید خدایی مورد پرستش قرار گیرد که شنوا، بینا و همه‌چیز را به همه کس می‌دهد.

یکی دیگر از اعتقادات ایشان در ترسیم وضع مطلوب، امیدواری به خداوند در استجاب دعا بوده است. با همین اعتقاد هم برنامه‌ریزی راهبردی نموده و با حفظ عقیده قوم را رها می‌کند و به نتیجه می‌رسد (مریم/۴۸).

ایشان یکی دیگر از وضعیت‌های مطلوب را جستجوی روزی نزد خدا دانسته و عبادت او و شکر او را تأکید می‌کند «...فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ...» (عنکبوت/۱۷). آن حضرت آینده مطلوب را در عدم کفر یکدیگر و لعنت نکردن مردم بین خود در قیامت می‌داند (عنکبوت/۲۵). همچنین ایشان از نظر رفتارهای اجتماعی، ادامه کینه و عداوت بین خود و قوم مشرک را تا ایمان آوردن آنها می‌داند (ممتحنه/۴). یعنی با ایمان آوردن دوستی و علاقه بین آنها برقرار می‌شود.

بنابر مطالب بالا حضرت ابراهیم (ع) وضع مطلوب قوم خود در دو زمینه فرهنگی- اعتقادی و رفتاری- اجتماعی راه هموار مستقیم، امنیت و هدایت، عبادت و تقوای خدا و جستجوی روزی نزد خدا و شکر خداوند بیان می‌کند.

ترسیم وضع مطلوب قوم ابراهیم (ع)		
ردیف	فرهنگی-اعتقادی	اجتماعی-رفتاری
۱	شکر خداوند (عنکبوت/۱۷)	امنیت و هدایت (انعام/۸۲)
۲	عبادت و تقوای خدا (عنکبوت/۱۶)	جستجوی روزی نزد خدا (عنکبوت/۱۷)
۳	تسلیم خدا بودن تا آخر عمر (بقره/۱۳۲)	تبعیت و پیروی از راه هموار مستقیم ابراهیم (مریم/۴۳)
۴	دوری از خدایان از بین رونده و گمراه‌کننده (انعام/۷۶-۷۸)	عدم تکفیر یکدیگر و لعنت نکردن یکدیگر (عنکبوت/۲۵)



دوری از شرک و روآوری به خدای آفریننده هستی (انعام/۷۸-۷۹)	تداوم دشمنی بین قوم تا ایمان آوردن به خدا (ممتحنه/۴)	۵
پرستش خدای دارای صفات کمال و جمال (مریم/۴۲)		۶
امیدواری به خداوند در استجابت دعا (مریم/۴۸)		۷

جدول: ۲- ترسیم وضع مطلوب قوم ابراهیم (ع)

۲-۳- راهبردهای نیل به وضع مطلوب

در راستای نیل به وضع مطلوب و چشم‌انداز توحید ربوبی، حضرت ابراهیم (ع) راهبردهای گوناگون را عمل نمودند. آن حضرت همیشه خود را در مسیر چشم‌انداز الهی دیده و از خط خداوند تخطی نکرده است «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمُ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (بقره/۱۳۱). ایشان با تأکیدات فراوان بر نقش محوری سطح عالی سازمان در فرایند برنامه‌ریزی راهبردی خود داشته و در این مسیر از راهبرد دعا با لفظ «ربنا...» بهره‌گیری کرده است. آنی خود را بی-نیاز از این راه ندانسته و لزوم امید داشتن به دستگیری مدیر هستی را داشته است. «... وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا» (مریم/۴۸). همیشه خدا را ناظر کامل بر سراسر سازمان هستی دانسته است. «رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم/۳۸-۳۹). بر همین اساس، خود را همچون پیامبر هادی و مدیر برنامه‌ریز راهبردی برای هدایت قوم، پیش قدم در اجرای عملیات نسبت به سایر اعضای سازمان می‌دانست. «... اجْعَلْنِي ... وَمِنْ ذُرِّيَّتِي...» (ابراهیم/۴۰). این نحوه اعتقاد به توحید ربوبی باعث گشته بود تا لزوم قدردانی از موهبت‌های مادی و معنوی خداوند را داشته و آن‌ها را به زبان بیاورد. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ...» (ابراهیم/۳۹).



با توجه به موقعیت‌شناسی آن حضرت از قوم خود و تجزیه و تحلیل محیط درونی سازمان (قوم) خود و محیط بیرونی، ایشان راهبردهای زیر را برای نیل به وضع مطلوب، پیش گرفتند.

۱-۳-۲- بیان شجاعانه عقاید توحیدی و استقامت در راه هدف

حضرت ابراهیم (ع) برای نیل به وضع مطلوب در درجه اول اعتقادات خود را به صورت واضح بیان نموده و در این زمینه از خود شجاعت بی‌نظیری را نشان دادند. زمانی که از نظر سن و سال که طبق بعضی از روایات هنگام شکستن بت‌ها در آن موقع کاملاً جوان بود و احتمالاً سنش از ۱۶ سال تجاوز نمی‌کرد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۴۳۶/۱۳) و تجربه‌ی کمی در زندگی اجتماعی برخوردار بودند، تک‌وتنها در مقابل اعتقادات باطل قوم خود با آن همه عده و عده مبارزه نموده و بت‌های آن‌ها را شکستند (انبیاء/۵۸-۵۹). هنگام احتجاج با پادشاه ظالم زمانش (نمرود) که خود را خدا هم اعلام می‌کرد بدون ترس و هراس، عقاید خویش را آشکارا و صریح بیان کرد. «... حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ ... إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ ... قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ ...» (بقره/۲۵۸). با این شیوه ایشان استفاده هم‌زمان از راه‌حل‌ها و جایگزین‌های چندگانه مناسب را انجام دادند؛ و در مدیریت تحول برای عبور از حالت موجود و مقاومت کردن مخاطب، ایشان اولاً مستدل صحبت کرد و ثانیاً اطلاعات صحیح به مخاطب داد. در همین راستا استفاده از راهبرد تهاجمی با شناسایی فرصت بیرونی (ناتوانی دشمن) و نقطه قوت درونی (استدلال قوی خود) کردند.

ایشان در این راستا آزر و قومش را مورد سرزنش قرار می‌دهد که این مجسمه‌ها که آن‌ها را اعتکاف می‌کنید، چیست؟ (انبیاء/۵۲). بدون ترس در همین راستا آنان و پدرانشان را گمراه می‌شمارد «قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (انبیاء/۵۴) و با این روش، ضرورت اعلام صریح خطر برای اعضای سازمان را یادآور می‌شود. آن‌ها را بی‌فکر و اندیشه لقب داده و



از اینکه غیر خدا را می‌پرستند به آنان «اف» می‌گوید. «قَالَ أَ فَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئاً وَلَا يَضُرُّكُمْ أَفْ لَكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء/۶۶-۶۷).

آن حضرت در هدف خود استقامت داشته و ارزش‌های خود را در راه هدف بیان می‌کرد. «وَ حَاجَهُ قَوْمُهُ قَالَ أَ تَحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانِ ... وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْماً أَ فَلَا تَتَذَكَّرُونَ» (انعام/۸۰). با این شیوه، نقاط ضعف و قوت‌های داخلی سازمان خود را برای ایجاد انگیزه یادآوری می‌کردند.

آن حضرت نقاط قوت سازمان الهی را پشت سر هم با محوریت توحید ربوبی چنین می‌شمارند: اشاره و تأکید بر محورهای حیاتی سازمان (ایجاد و هدایت) «الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ». تأمین‌کننده مستمر نیازهای تغذیه‌ای اعضای سازمان «وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِ» (شعراء/۷۹). خرابی، ناکارآمدی، از طرف اعضا و بازسازی آن از طرف مدیر عالی «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (شعراء/۸۰). ضرورت ایجاد سازمان پس از افول و اضمحلال آن «وَ الَّذِي يُمَيِّتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ» (شعراء/۸۱). تأثیر رأفت و مهربانی مدیر ارشد در خدمت صادقانه کارمندان «وَ الَّذِي أَظْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (شعراء/۸۲). لزوم داشتن ابزار قوی مانند حکم برای مدیران «رَبِّ هَبْ لِي حُكْماً وَ أَحْقُقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (شعراء/۸۳). یادآوری نقاط قوت سازمان و تأثیر زیاد آن به رضایت شغلی «الَّذِي خَلَقَنِي ... ثُمَّ يُحْيِينِ» (شعراء/۷۸-۸۰). همچنین در شناسایی نقاط ضعف سازمان رقیب «... إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقاً...» و استفاده از نقاط قوت و امتیازات سازمان برای انگیزش اعضا، چنین استدلال می‌کنند «... فَأَتَّبِعُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَ اعْبُدُوهُ وَ اشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (عنکبوت/۱۷).



ایشان پس از اتمام حجت و یقین پیدا کردن بر عدم تبعیت قوم، شجاعانه برائت لفظی (انعام/۷۸، ممتحنه/۴، انبیاء/۶۷، زخرف/۲۶ و توبه/۱۱۴) و عملی «وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (مریم/۴۸) از هر آنچه مخالف با اهدافش بود، کردند.

۲-۳-۲- رعایت تفاوت‌های فردی و گروهی

حضرت ابراهیم (ع) در عرصه هدایت و ارشاد مخاطبان و مقابله با دشمنان، امور محسوس و مشهود را پایه استدلال‌های خود قرار می‌داد تا ضمن ترکیب حس و تعقل، امکان فهم اهداف خویش را به همه مخاطبان با هر میزان از درک و شعور که باشند فراهم سازد. برای همین از ابزارهای متنوع و امور محسوس در استدلال‌های خود بهره می‌جست. او در مقابل بت-پرستان از امور محسوسی همچون: عدم شنوایی، عدم توانایی بر سود و زیان رساندن، نطق و بینایی نداشتن بت‌ها استفاده کرده است (دلبری، ۱۳۹۲: ۱۰۲). «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا» (مریم/۴۲، شعراء/۷۲-۷۳، انبیاء/۶۳-۶۷، بقره/۲۵۸).

۲-۳-۳- اخلاق، محبت و احترام به مخاطبان

آن حضرت برای رسیدن به وضع مطلوب و برطرف نمودن ضعف درونی سازمان خویش، رعایت مودت و احترام و توجهات دلسوزانه و خطاب‌های مملو از عاطفه و محبت نسبت به اعضای سازمانش داشته، اهداف خود را به دل و اندیشه مخاطبان می‌رسانید (دلبری، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۱۰۷). ایشان در موارد متعدد حتی جایی که آزر او را تهدید به مرگ نمود، ولی آن حضرت از الفاظ محترمانه «یا اَبَتِ» استفاده می‌کرد. «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا يَا أَبَتِ إِنْ قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا يَا أَبَتِ إِنْ يَأْخُذُ بِكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا»؛ (مریم/۴۲-۴۵). و در اینجا بود که با سلام دادن به او وعده استغفار به آزر را داد. «قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا» (مریم/۴۷). همه این‌ها به جهت بردباری ابراهیم



بود. «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ» (توبه/۱۱۴). حلم و بردباری از یک سو و اواه بودن او که طبق بعضی از تفاسیر به معنی رحیم بودن است از سوی دیگر، ایجاب می‌کرد که حداکثر تلاش و کوشش را برای هدایت آزر انجام دهد، اگرچه از طریق وعده استغفار و طلب آمرزش از گذشته او باشد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۵۶/۸).

۴-۳-۲- طرح پرسش و پاسخ برای رسیدن به اهداف

در قرآن مجید بسیاری از حقایق مربوط به معارف دینی، اخلاقی و اجتماعی در قالب سؤال، طرح می‌گردد و طرفین مسئله در اختیار شنونده گذارده می‌شود تا او با فکر خود یکی را انتخاب کند. این روش که باید آن را روش غیرمستقیم نامید، اثر فوق‌العاده‌ای در تأثیر برنامه‌های تربیتی دارد؛ زیرا انسان معمولاً به افکار و برداشت‌های خود از مسائل مختلف بیش از هر چیز اهمیت می‌دهد. هنگامی که مسئله به صورت یک مطلب قطعی و جزمی طرح شود، گاهی در مقابل آن، مقاومت به خرج می‌دهد و همچون یک فکر بیگانه به آن می‌نگرد، ولی هنگامی که به صورت سؤال طرح شود و پاسخ را از درون وجدان و قلب خود بشنود آن را فکر و تشخیص خود می‌داند و به عنوان «یک فکر و طرح آشنا» به آن می‌نگرد و لذا در مقابل آن مقاومت به خرج نمی‌دهد، این طرز تعلیم مخصوصاً در برابر افراد لجوج و همچنین در برابر کودکان مؤثر است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۵۶/۳).

حضرت ابراهیم (ع) در جریان دعوت خود و رسیدن به وضع مطلوب، از شیوه‌های گوناگون پرسش استفاده کرده است. گاه به شکل استفهام عادی (آیا) بوده است (دلبری، ۱۳۹۲: ۱۴۳-۱۴۵). مانند: «قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» (صافات/۹۵-۹۶). ۸۶-۸۷. انعام/۷۴). و «قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ» (شعراء/۷۵-۷۶. ۷۲-۷۳).



گاهی سؤالات خود را پیرامون ماهیت خدایان دروغین آن‌ها مطرح می‌کرد: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ» (صافات/ ۸۵-۹۱-۹۲. انبیاء/ ۵۲. شعراء/ ۷۰). و گاهی از چرایی و علت پرستش بت‌ها پرسش می‌نمود: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا» (مریم/ ۴۲؛ و انبیاء/ ۶۶).

پرسش‌های گوناگون، خود حاوی استدلال‌های محکم و استوار می‌باشد. از جمله پیامدها و فواید این نوع پرسش‌ها، ایجاد تزلزل در اعتقادات مخاطبان و سست کردن باورهای شرک‌آمیز آنان بود علاوه بر آن فرصت لازم و مفید برای ارائه پیام‌های الهی را فراهم آورد و بعد از فروریختن بنیان پرستش بت‌ها، زمینه را آماده برای معرفی اهداف خود می‌نمود (دلبری، ۱۳۹۲: ۱۴۳-۱۴۵).

۵-۳-۲- هجرت در راستای هدف

در راستای نیل به وضع مطلوب، حضرت ابراهیم (ع) دو بار هجرت نمود. یکی از اهداف هجرت‌های آن حضرت، رسالت تبلیغ و اشاعه دین و دعوت به یکتاپرستی بوده است. مهاجرت‌های او بر اساس رویداد و درگیری با بت‌پرستان بوده است. «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّدِينَ» (صافات/ ۹۹). «وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا» (مریم/ ۴۸-۴۹). هجرت‌های او را بر اساس آیات قرآن می‌توان «هجرت معنوی و سیر به سوی خدای یکتا» که از خلال آیات ۵۶-۷۱ سوره مبارکه انبیاء و آیات ۷۶-۷۹ سوره انعام به دست می‌آید و هم «هجرت مکانی» و انتقال از شهری به شهر دیگر دانست (بروجردی، ۱۳۹۳: ۶۱-۶۳).

در قرآن آیات مختلفی به این مطلب اشاره دارد: «فَأَمَرَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (عنکبوت/ ۲۶). «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّدِينَ» (صافات/ ۹۹). «وَوَحَّيْنَا لَهُ لُوطًا إِلَىٰ



الأَرْضَ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۷۱). هجرت او برای گسترش و تبلیغ اهداف سازمانی‌اش بوده است؛ و بر اساس هجرت‌هایش، خداوند به عنوان پاداش هجرت بعد از آن به او نعمت‌های بزرگی عطا فرمود: فرزندان لایق و شایسته. در دودمان حضرت ابراهیم (ع) نبوت و کتاب آسمانی قرارداد. پاداش دنیوی‌ای همچون «نام نیک» به او عنایت فرمود. در آخرت او را از صالحان قرارداد (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۶) که قرآن به همین پاداش‌ها اشاره کرده است (عنکبوت/۲۷). هجرت ایشان حتی انتقال فیزیکی سازمان از مکانی به مکان دیگر را در پی داشته است که بعد از ایجاد سازمان در فلسطین، به مکه رفته و سازمان دیگر را ایجاد می‌کند. امروزه هجرت در سازمان‌ها و انتقال فیزیکی و برنامه‌ای مرسوم شده است.

۶-۳-۲- بهره‌وری سازمان از راه دعا و درخواست

از جمله مؤثرترین راهبردی که حضرت ابراهیم برای نیل به وضع مطلوب به کار می‌گرفتند و همیشه آن را مدنظر داشتند، دعا و درخواست از مقام ربوبیت خداوند بوده است. دعاهای آن حضرت که ریشه از اعتقاد راسخ آن جناب به توحید ربوبی داشت، شامل نیازهای خود و سازمان و جامعه‌اش بوده که نه تنها با نگاه کوتاه‌مدت و زودگذر؛ بلکه با نگاهی راهبردی و جامع بود.

ایشان محوریت اصلی سازمان را امنیت دانسته و در این زمینه از خدا امنیت شهر را درخواست نموده و شهر را در مقابل تهدیدات خارجی بیمه می‌کند. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...» (بقره/۱۲۶). توجه به محور اصلی برنامه‌ریزی راهبردی سازمان (امنیت) می‌کند که با وجود آن، همه اهداف به وقوع می‌پیوندد. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...» (ابراهیم/۳۵). خداوند دعای او را اجابت نموده شهر مکه را امن قرارداد که (هنگام حج) خونی در آن ریخته نشده و به کسی ظلم نمی‌شود و صید آن هم شکار نمی‌شود (مراغی، ۱۳/۱۵۹).



یکی دیگر از نکات راهبردی که درخواست می‌کند، تأمین روزی اعضای سازمان می‌باشد. «... وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (بقره/۱۲۶). ثمرات یک معنی وسیع دارد که هرگونه نعمت مادی، اعم از میوه‌ها و مواد دیگر غذایی و نعمت‌های معنوی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۴۵۲/۱). درخواست راهکارهای معنوی مانند جلب قلوب و راهکارهای مادی مانند روزی با میوه‌ها جهت انگیزه حضور اعضا در سازمان، از دیگر خواسته‌های راهبردی ایشان بود. «... فَأَجْعَلْ أَفئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم/۳۷).

ایشان به ضرورت آموزش برنامه‌های اصلی سازمان توجه داشته آموزش ضمن خدمت در سازمان را از خدا درخواست می‌کند. «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ ... وَارْنَا مَنَائِكَ ...» (بقره/۱۲۸). ایشان هدایت به سمت سازمان یادگیرنده و اخلاق محور را مدنظر قراردادده «... يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ...» (بقره/۱۲۸). مؤلفه‌های کلیدی سازمان موفق و الهی را (دانش، حکمت، تزکیه ...) می‌داند. با این درخواست، نکته قابل توجه به دیگران را چنین بیان می‌کند که: مدیر باید به تمام نیازهای کارگزاران از جمله نیازهای علمی و معنوی آن‌ها توجه نماید.

با نگاه راهبردی، ارائه طرح و الگوی رهبری برای آینده سازمان داشته و برای آینده‌های دور سازمان الهی درخواست رهبری می‌کند «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ...» با این بیان، انتخاب و انتصاب رهبری سازمان از سوی سطح عالی سازمان را متذکر می‌شوند. از درخواست ایشان به دست می‌آید که انتخاب رهبر سازمان از مردم بومی منطقه، در موفقیت سازمان مؤثر است. «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ...» (بقره/۱۲۹). زمان و استفاده از آن از جمله راهبردی‌ترین نگاه توحیدی ایشان است. از نظر طولی، زمان بلند را حتی برای قرن‌ها بعد در نظر گرفته و از نظر رسیدن به هدف سریع‌ترین راه انتخاب شده است، با حذف واسطه‌ها از منبع اصلی بهره‌مند



شده است. خداوند دعای او را اجابت فرمود، حضرت خاتم‌النبین (ص) را مبعوث ساخت زیرا فقط آن حضرت از ذریه‌ی حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) است، دیگر انبیای بنی‌اسرائیل از نسل اسحاق (ع) بودند. لذا پیامبر اسلام (ص) فرمود: «... منم دعای پدرم ابراهیم (ع) که از خدا درخواست نمود...» (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۵۸).

آن حضرت در دریافت مزایای سازمانی همه اعضای سازمان را در درخواست خود سهیم می‌داند. «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» (ابراهیم/۴۱). درخواست دیگر ایشان، ضرورت اقامه ارزش‌ها برای همه اعضای سازمان بود. «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم/۴۰).

شناخت و بیان تهدیدات بیرونی از سمت مخالفان و معین کردن موضع خود در مقابل ضعف‌ها و تهدیدات. «رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضَلَّلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنِ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (ابراهیم/۳۶). شناخت تهدیدات بیرونی و مقابله داشتن با آن‌ها با برنامه‌های ارزشی و معنوی. «... بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ ... فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم/۳۷).

سازمان را یکی دانسته و خود را از اول به یک سازمان نسبت می‌دهد. ادامه حیات در یک سازمان (مدیریت Z)، سازمان الهی که از تولد و ایام جوانی در آن قرار داشته و مبارزه نموده است تا پیری و کهن‌سالی که فرزند دار می‌شود. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (ابراهیم/۴۱). موهبت‌های مادی و معنوی سازمان را قدر دانسته جایگاه و احاطه مدیر اصلی را یادآور می‌شود.



۷-۳-۲- تمدن سازی ابراهیم (ع)

حضرت ابراهیم (ع) تمدن‌سازی خود را با معرفت‌بخشی به خلق خدا درباره خداوند آغاز نموده ابتدا خود بدان عمل نمود تا لقب «خلیل الرحمان» گرفت. آن حضرت عنوان «قهرمان توحید» را برای مبارزه با شرک و بت‌پرستی کسب کرد. مبارزات او ابتدا از بت‌های بی‌روح و جان‌انبیاء (۵۲)، موجوداتی همچون: ستاره، ماه و خورشید (انعام/۷۶-۷۸) آغاز گردید. ایشان با این ترفند توانست توجه مردم را به سوی خالق آن‌ها سوق دهد. در ادامه مبارزه با موجودات دارای جان مثل نمروذ (بقره/۲۵۸) مبارزه نمود. از دیگر تمدن‌سازی ایشان هجرت‌های گوناگون در راه خدا بود (صافات/۹۹، مریم/۴۸-۴۹، عنکبوت/۲۶، انبیاء/۷۱). ایشان با ساختن خانه کعبه (بقره/۱۲۹) توانست از یک‌سو پایه‌گذار معبدی برای پرستش خدای یگانه و از سوی دیگر ایجادکننده کانون وحدت و همبستگی باشد. او با ساختن کعبه پایه‌گذار فرهنگ و تمدنی گردید که زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و بازرگانی شهر مکه شد.

حضرت ابراهیم (ع) با توجه به چشم‌انداز راهبردی، راهبرد نیل به وضع مطلوب را با توجه به مأموریت خود و با تجزیه و تحلیل محیط درون و بیرون سازمان با محوریت گزینه‌های زیر انجام دادند. ایشان قبل از همه عقاید خویش را بدون ترس از دشمنان آشکارا بیان نموده و در راه هدف خود استقامت داشتند. از آنجا که آن حضرت قوم خود و ظرفیت‌های آن‌ها را خوب می‌شناختند، بنابراین در این مسیر تفاوت‌های فردی و گروهی را رعایت می‌نمود. روش دیگر ایشان در نیل به وضع مطلوب، توجه به اخلاق، محبت و ورزی نسبت به انسان‌ها و احترام به مخاطب هنگام ارشاد و هدایت بود. یکی از شیوه‌های مؤثری که ایشان برای رسیدن به وضعیت مطلوب استفاده برده‌اند، طرح پرسش و پاسخ بوده است. ایشان همچنین در روش‌های خود، هجرت را عملی کردند تا بتوانند افراد بیشتری را هدایت نمایند. آخرین راهبردی که ایشان همیشه آن را مورد توجه خویش قرار می‌دادند، دعا و درخواست از خداوند و جایگاه توحید



ربوبی خداوند بود که همه نیازهای خود، سازمان و جامعه‌اش را از این طریق برآورده می‌کردند.

ردیف	راهبردهای نیل به وضع مطلوب قوم ابراهیم (ع)	استنادها
۱	بیان شجاعانه عقاید و رسالت توحیدی خود و استقامت در راه هدف	بقره/۲۵۸
۲	سرزنش بت‌پرستی قوم	انبیاء/۵۲ و ۵۴
۳	بیان ارزش‌های خود در راه هدف	انعام/۸۰
۴	بیان نقاط قوت سازمانی خود	شعراء/۷۸-۸۳
۵	شناسایی و اعلام نقاط ضعف	عنکبوت/۱۷
۶	برائت لفظی و عملی از شرک	انعام/۷۸، انبیاء/۶۷، مریم/۴۸
۷	رعایت تفاوت‌های فردی و گروهی	مریم/۴۲، شعراء/۷۲-۷۳، انبیاء/۶۳-۶۷، بقره/۲۵۸
۸	اخلاق، محبت و احترام به مخاطب	مریم/۴۲-۴۷
۹	طرح پرسش و پاسخ برای رسیدن به اهداف	صافات/۹۵-۹۶، شعراء/۷۲-۷۳ و ۷۵-۷۶، انبیاء/۵۲ و ۶۶
۱۰	هجرت در راه هدف	صافات/۹۹، مریم/۴۸-۴۹، عنکبوت/۲۶، انبیاء/۷۱
۱۱	بهره‌وری سازمان از راه دعا و درخواست	نوح/۲۷-۲۸
۱۲	درخواست امنیت شهر و سازمان	بقره/۱۲۶، ابراهیم/۳۵
۱۳	تأمین روزی اعضای سازمان	بقره/۱۲۶، ابراهیم/۳۷
۱۴	آموزش ضمن خدمت و سازمان یادگیرنده	بقره/۱۲۸
۱۵	درخواست رهبر برای آینده دور سازمان	بقره/۱۲۹
۱۶	سهیم دانستن اعضای سازمان در دریافت مزایا	ابراهیم/۴۰ و ۴۱
۱۷	ادامه حیات در یک سازمان	ابراهیم/۳۹
۱۸	تمدن‌سازی	بقره/۱۲۹ و ۲۵۸، انعام/۷۶-۷۸، صافات/۹۹، مریم/۴۸-۴۹، عنکبوت/۲۶، انبیاء/۵۲ و ۷۱.

جدول: ۳- راهبردهای نیل به وضع مطلوب حضرت ابراهیم (ع)

۴-۲- مدل برنامه‌ریزی راهبردی حضرت ابراهیم (ع)



گزارش قرآن نشان می‌دهد که حضرت ابراهیم (ع) در مسیر چشم‌انداز توحیدی بوده و در دالان استراتژیک توحیدی تلاش بسیاری کرده تا جایی که عنوان قهرمان توحید گرفته است. او در مسیر راهبرد توحیدی، با عنایت به آرمان‌ها، ارزش‌ها و رسالت الهی و تحلیل محیطی به شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و روش نیل به وضع مطلوب پرداخت. بر اساس مجموع نکات و برداشت‌هایی که از آیات انجام گرفت مدل برنامه‌ریزی راهبردی مستفاد از منطق و مبانی هدایت و رهبری حضرت ابراهیم در مدل ذکر خواهد شد.



مدل: ۳-۴- مدل برنامه‌ریزی راهبردی حضرت ابراهیم (ع)



۵-۲- امتیازات و برجستگی‌ها

در تعریف منتخب از برنامه‌ریزی راهبردی در این مقاله، برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس سه محور شناسایی وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راه‌های رسیدن به وضع مطلوب مورد تأیید قرار گرفت. با این بیان سؤال اصلی این قسمت از مقاله این بود که: مدل برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس اعتقاد به توحید ربوبی حضرت ابراهیم (ع) چیست؟ بر اساس محورهای سه-گانه بالا تطبیق برنامه‌ریزی حضرت ابراهیم با برنامه‌ریزی راهبردی علم مدیریت در این است که برنامه‌ریزی راهبردی آن حضرت شامل برنامه‌ریزی راهبردی گذشته و امتیازاتی دارد. چارچوب معرفی حضرت ابراهیم (ع) توحید ربوبی را تشکیل داده و برنامه‌ریزی راهبردی او دارای امتیازات و برجستگی‌هایی نسبت به برنامه‌ریزی علم مدیریت دارد که در جدول زیر آمده است.

استنادها	امتیازات و برجستگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی حضرت ابراهیم (ع)	ردیف
بقره/۲۵۸، انبیاء/۵۴ و ۶۶-۶۷	بیان شجاعانه عقاید و رسالت توحیدی و استقامت در راه هدف	۱
مریم/۴۳	داشتن برتری علمی در تخصص هدایت قوم	۲
انعام/۸۲	داشتن امنیت و رسیدن به هدایت دو ویژگی انسان موفق در سازمان	۳
بقره/۱۳۱	عدم تخطی از خط خداوند و عبادت و تقوای او	۴
مریم/۴۸	امید داشتن به دستگیری مدیر هستی	۵
انعام/۸۰	بیان ارزش‌های خود در راه هدف سازمانی	۶
ابراهیم/۳۸-۳۹	همیشه خدا را ناظر کامل بر سراسر سازمان هستی دیدن	۷
شعراء/۷۹-۸۰	بیان نقاط قوت سازمان الهی با محوریت توحید ربوبی	۸



انعام/۷۸، ممتحنه/۴، انبیاء/۶۷، زخرف/۲۶ و توبه/۱۱۴، مریم/۴۸	شجاعت در بیان برائت لفظی و عملی	۹
مریم/۴۲-۴۷	اخلاق، محبت و احترام به مخاطبان	
صافات/۹۵-۹۶، شعراء/۷۲-۷۳ و ۷۵-۷۶، انبیاء/۵۲ و ۶۶	طرح پرسش و پاسخ برای رسیدن به اهداف	۱۱
بقره/۱۲۶	امنیت، محوریت اصلی سازمان	۱۲
صافات/۹۹، مریم/۴۸- ۴۹، عنکبوت/۲۶، انبیاء/۷۱	مهاجرت با اهداف: تبلیغ رسالت، اشاعه دین و دعوت به یکتاپرستی	۱۳
بقره/۱۲۹	هدایت به سمت سازمان یادگیرنده و اخلاق محور	۱۴
بقره/۱۲۹	توجه به تمام نیازهای کارگزاران از جمله نیازهای علمی و معنوی	۱۵
ابراهیم/۳۹	ادامه حیات در یک سازمان (مدیریت Z)	۱۶
انعام/۸۲	معرفی موفقین و هدایت‌یافتگان	۱۷
ابراهیم/۳۹	یادآوری موهبت‌های مادی و معنوی سازمان و لزوم قدردانی از آنها	۱۸
عنکبوت/۱۷	جستجوی روزی نزد خدا	۱۹
بقره/۲۵۸	برخوردراری از منطق و برهان در مناظرات	۲۰
ابراهیم/۳۷	پیش‌قدمی نسبت به سایر اعضای سازمان در اجرای عملیات	۲۱



۲۵۸/بقره	مستدل صحبت کردن و دادن اطلاعات صحیح به مخاطب	۲۲
میریم/۴۲. شعراء/۷۲- ۷۳. انبیاء/۶۳-۶۷. بقره/۲۵۸	رعایت تفاوت‌های فردی و گروهی	۲۳
میریم/۴۲-۴۵	استفاده از الفاظ محترمانه با وجود تهدید به مرگ	۲۴
ابراهیم/۳۷	راهکارهای معنوی مانند جلب قلوب و راهکارهای مادی مانند روزی با میوه‌ها جهت انگیزه حضور اعضا در سازمان	۲۵
بقره/۱۲۸-۱۲۹. ابراهیم/۳۶-۴۱	بهره‌ور نمودن سازمان از راه دعا و درخواست	۲۶
بقره/۱۲۶. ابراهیم/۳۷	تأمین روزی اعضای سازمان	۲۷
بقره/۱۲۹	آموزش ضمن خدمت در سازمان	۲۸
بقره/۱۲۹	دانش، حکمت و تزکیه از مؤلفه‌های کلیدی سازمان موفق واللهی	۲۹
بقره/۱۲۹	ارائه طرح و الگوی رهبری برای آینده‌های دور سازمان اللهی	۳۰

جدول: ۴- امتیازات و برجستگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی حضرت ابراهیم (ع)



نتیجه

چارچوب معرفتی حضرت ابراهیم (ع) را توحید ربوبی تشکیل داده است. او در مسیر برنامه‌ریزی راهبردی، با عنایت به آرمان‌ها، ارزش‌ها و رسالت الهی و تحلیل محیطی به شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و روش نیل به وضع مطلوب پرداخت. ایشان برای هدایت قوم و رساندن آن‌ها به وضع مطلوب، تلاش‌های فراوان نموده و آن‌ها را در راستای برنامه‌های راهبردی فرهنگی-اعتقادی و رفتاری-اجتماعی هدایت می‌نمود. در این زمینه ایشان وضع موجود را پرستش خداوند یکتا که همه موجودات را آفریده، اطاعت از فرمان‌های او و تبعیت از خودش همچون پیامبر هادی برای رسیدن به راه مستقیم را یادآور شده و در این زمینه به معرفی الگوهایی می‌پردازد که امنیت داشته و هدایت شده‌اند.

حضرت ابراهیم (ع) در عرصه برنامه‌ریزی راهبردی، هدایت و ارشاد مخاطبان و مقابله با دشمنان، در راهبرد نیل به وضع مطلوب، تدابیر عملی نموده است. بر این اساس آن حضرت، عقاید خویش را شجاعانه بیان نموده و در این مسیر استقامت به خرج داده است. از جمله روش او برای رسیدن به وضع مطلوب، رعایت تفاوت‌های فردی و گروهی بوده است. یکی دیگر از راهبردهای ایشان، رعایت اخلاق، محبت و احترام به مخاطبان بود. برای رسیدن به اهداف طرح پرسش و پاسخ را به کار می‌گرفت. مهاجرت و بهره‌ور ساختن سازمان از راه دعا و درخواست از خداوند از جمله راهبردهای نیل به وضع مطلوب نیز گزینه انتخاب کرده ایشان بود. برنامه-ریزی راهبردی حضرت ابراهیم امتیازات و برجستگی‌هایی نسبت به برنامه‌ریزی علم مدیریت دارد که در جدولی بیان گردیده و برخی از آن‌ها در بالا ذکر شد.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۳)، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، ایران - قم نوبت چاپ اول.
- بروجردی، اشرف (۱۳۹۳)، رفتارشناسی ابراهیم (ع) در نصوص یهودی، مسیحی و اسلامی. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ اول.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۰ ه.ش)، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن. دفتر نشر فرهنگ اسلامی - ایران - تهران، چاپ: ۳.
- توکلی، عبدالله (۱۳۸۳)، اصول و مبانی مدیریت. ناشر: انتشارات زمزم هدایت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، ادب توحیدی انبیاء در قرآن. تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم مرکز نشر اسراء. نوبت چاپ سوم.
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰)، مدیریت راهبردی. ناشر: انتشارات سمت.
- حسینی، سیدجواد (۱۳۸۳)، جایگاه هجرت در مکتب اسلام. مجله مبلغان. شماره ۵۳.
- دلبری، سیدمحمد (۱۳۹۲)، تحلیل دعوت حضرت ابراهیم (ع) در قرآن با رویکرد تربیتی. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع). چاپ اول.
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری. میقات - ایران - تهران، چاپ: ۱.
- شبستری، عبدالحسین. (۱۳۷۹)، اعلام القرآن. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات - ایران - قم، چاپ: ۱.
- صدیق‌حسن‌خان، محمدصدیق (۱۴۲۰ ه.ق)، فتح البیان فی مقاصد القرآن. دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.



طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی
للمطبوعات-لبنان-، چاپ دوم.

عسکری، مرتضی (۱۳۸۶)، عقاید اسلام در قرآن. مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر - ایران
- تهران، چاپ: ۱.

علاقه‌بند، علی (۱۳۸۱)، مدیریت عمومی. ناشر: مؤسسه نشر روان.

فرهمند، ناصر فقهی (۱۳۸۴)، مدیریت استراتژیک سازمان. ناشر: انتشارات فروزش.

مراغی، احمد مصطفی (بی‌تا)، تفسیر المراغی. دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه. ناشر، دار الکتب الإسلامیة،
مکان چاپ، ایران- تهران، نوبت چاپ دهم.

منوریان، عباس (۱۳۹۴)، تفکر استراتژیک: مفهوم، عناصر و مدل‌ها. انتشارات دانشگاه
تهران.

هینز، استیون (۱۳۸۷)، رویکرد تفکر سیستمی به برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک.
ترجمه رشید اصلانی. تهران، نشر نی.

Heinz, Wehrich & Harold, Koontz (۲۰۰۶). Management A Global
Perspective. Los Angeles. Eleventh edition.

Robbins, Stephen P. David A. DeCenzo, Mary Coulter ۲۰۱۳,
Fundamentals of management: essential concepts and applications.
Pearson Education, Inc, publishing as Prentice Hall. New Jersey. ۸th
ed.